

## فرجام نیک فرجاد

**مجتبی شیوری** - ۱۲ روز مانده به پایان سال ۱۳۳۰ هجری خورشیدی بود که در مردند دیده به جهان گشود. هجدهم اسفندی که اگر در تاریخ دنبالش بدوید، به روز تاجگذاری نادر شاه افشار به سال ۱۱۱۴ خواهد رسید. جلیل فرجاد ۱۸ اسفند ۱۳۳۰ در مردند آذربایجان شرقی به دنیا آمد اما خیلی در این شهر خوش آب و هوا ماندگار نشد و تنها ۷ بهار بعد با خانواده اش به تهران مهاجرت کرد تا در پایتخت به مدرسه برود. هر بازیگری، لحظه شورانگیزی در زندگی خود دارد. همان آتی که شیفته حرفه ای می شود که در آینده ای دور یا نزدیک، انتظارش را می کشد. این لحظه درست در ۱۰ سلگی برای فرجاد اتفاق افتاد. روزی که با خانواده اش در یکی از سینماهای لاله زار، فیلم «سنگام» را دید. خاطرش نمی آید تا امروز که از ۷۰ هم عبور کرده، این فیلم را چندبار دیگر دیده است. این ربطی به سن و سالش هم ندارد. شمار تماشای این شاهکار سینمای هند از دستش خارج شده است. برای رسیدن به عشقش اما باید چند سال صبر می کرد تا وارد دبیرستان می شد و آنجا خود را در قامت بازیگر تئاتر می دید. بعد از دیپلم هم مثل همه جوان های آینده اجباری می رفت. فرجاد اما آنجا هم از بازیگری غافل نماند. سر بازی هم درست مثل دبیرستان و دبستان مثل برق و باد تمام شد تا او بی درنگ کار خود را در پشت صحنه تئاتر آغاز کند. سال ۱۳۶۱ و پس از انقلاب اسلامی، او با مجموعه تلویزیونی «اولین بار که در لقلاب شرکت کردم» به کارگردانی محمد دیهیمی مقابل دوربین رفت. نخستین فیلم سینمایی اش اما «باز دانشگاه» اثر کوپال مشکلات بود. فیلمی در مطلع تغزل سینمای دفاع مقدس ایران که فرجاد در آن با بازیگری بی بر جسته مانند محمد مطیع و جمشید هاشم پور هم بازی شد. «شب مکافات» به کارگردانی فرامرز باصری و «سیاه راه» کار دیگری از کوپال مشکلات دو فیلمی بودند که جلیل فرجاد سال ۱۳۶۳ در آن ها به نقش آفرینی پرداخت. یک سال بعد اما استعداد واقعی او در سینمای ایران با حضور در نقش اول فیلم پر بیننده و ماندگار «توهم» به کارگردانی و نویسندگی سعید حاجی میری شکوفا شد. فیلمی درباره دو عضو یکی از گروه های منافقین که در خانه ای تیمی حضور دارند و گمان می کنند نیروهای کمیته انقلاب اسلامی آن ها را محاصره کرده اند. آن ها صدای خالی کردن تیر آهن کارگران ساختمانی را با صدای شلیک گلوله اشتباه می گیرند و در طول فیلم این اشتباه بصری و شنیداری چندبار تکرار می شود تا توهم شان تکمیل شود. فرجاد با این فیلم به ستاره های درخشان در سینمای ایران تبدیل شد. تا آنجا که برای او یک سال بعد نقش اول فیلم «هویت» را به او هدیه کرد. نقش آفرینی فرجاد در این فیلم نیز تحسین برانگیز بود و به یقین «توهم» و «هویت» را باید فیلم هایی ذکر کرد که این بازیگر مستعد را به سینما و تلویزیون ایران بیش از پیش شناساندند. فرجاد سال ۱۳۶۱ از دواج کرد تا صاحب دو دختر شود که دست بر قضا هر دو هم از بازیگران خوب چند دهه بعد شدند. بازی در مجموعه تلویزیونی «خمس» که



این روزها از شبکه آی فیلم نیز روی آنتن می رود و حضور در نقش برادرزن «آقای شهریار» که در کاپوس های شخصیت اصلی (سعید امیر سلیمانی) یا در خیالاتش در اصل نقش وجدان او را بازی می کرد، هنرمندی دیگری از او در سینمای ایران محسوب می شد. با وجود استعداد بالایی که داشت، جلیل فرجاد از آن دست بازیگرانی است که با گذشت زمان جای مطرح شدن، بیشتر خود را از عوالم سینما و تلویزیون کنار می کشیدند. هر چند مارال و مونا بعدها جور پدر را به خوبی کشیدند و با نقش آفرینی های متعدد خود به بازیگری نسبتاً موفق در سینما و سینمای ایران بدل شدند. حال اینکه دلیل کم کاری فرجاد چه بود و چرا بازیگری که کمی توانست سال ها در آسمان سینمای ایران بدرخشد، علاقه چندینی به این مقوله نداشت، بیشتر به دروینیات و تفکر خود فرجاد بر می گردد. او چند سال پیش در گفت و گو با خبرگزاری میزان، زمانی که با این سوال روبرو می شود که چرا در سال های اخیر کم کار شده، می گوید: «دیگر نقش خوبی برای بازیگران پیشکسوت و نسل میانی سینما نوشته نمی شود که من بخوام در اثری خوب به ایفای نقش بپردازم. سال هایتمادی از عرصه سینما دور هستم و برای بازی در آن دلتنگ شده ام. هر بازیگری دوست دارد که خود را بر پرده سینما ببیند و برای دیدن خودم روی پرده سینما دلتنگ شده ام. دیگر دوست ندارم در مورد وضعیت بازیگری سینما نظر بدهم زیرا دیگر برای من هیچ اهمیتی ندارد. اگر کار خوبی پیشنهاد شود بازی می کنم و اگر نشود هم نه. من نمی توانم دنبال نقش بروم و هر روز در دفتر سینمایی به دنبال حضور در آثار باشم. یک زملی بود که از ما برای حضور در آثار سینمایی دعوت می شد و ما برای بازی حق انتخاب داشتیم اما در حال حاضر روابط، خودی و ناخودی و برخی اتفاقات باعث شده تا فقط بر برخی امکان حضور در سینما را داشته باشند. فرجاد آن روز با اشاره به حضور دوباره خود در تئاتر گفت: «در حال حاضر شرایط روحی خوبی برای بازی ندارم و ترجیح می دهم که کاری را قبول نکنم. نقش های پیشنهادی اینقدر کوچک هستند که برای من بازیگر هیچ انگیزه ای برای کار باقی نمی گذارند...» به هر ترتیب جلیل فرجاد بازیگری بود که شاید تا سالیان با همان نقش آفرینی های جاودانش در «توهم»، «هویت»، «دست نوشته ها»، «جان سخت» در یاد دوستداران قدیمی سینما بماند و نسل ده های ۶۰ و ۷۰ او را با مجموعه هایی مانند «آپارتمان» و «باغ گیلاس» به خاطر آورند. به هر حال فرجاد مانند نویسندگانی که تنها یک یا دو کتاب ماندگار دارند، به نظر، فرجام نیکی در سینما و تلویزیون ایران دارد.



صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری وصف صبا  
مدیر مسئول و سردبیر: محمدرضا شفیعی

www.rooznamehsaba.com  
rooznamehsaba

تهران خیابان آیت الله مدنی کوچه خجسته منش پلاک ۵  
تلفن: ۶۰۲۲۲۲۲۲ فکس: ۷۷۵۴۸۲۴۵  
چاپ: موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران  
توزیع: نشر گستر مهر روز

### «توهم» و یک پارادوکس دوست داشتنی



دهه ۱۳۶۰ زمانی بود که گروه های منافقین دست به جنایات متعددی در کشور زدند. بمب گذاری های پیاپی و مبارزات مسلحانه علیه نظام جمهوری اسلامی، کشتار مردم و سرانجام ایستادن کنار بعضی ها

و صدام حسین دشمن این آب و خاک، خیانت ها و جنایاتی نابخشودنی بود. در همان اوان، سینمای ژانر لقلاب اسلامی که اغلب فیلم هایش به نمایش بی کفایتی های دوران پهلوی و مبارزات مردم ایران اختصاص داشت، شروع به تولید فیلم هایی با موضوع منافقین نیز کرد. «توهم» یکی از این آثار بود. فیلمی به کارگردانی و نویسندگی سعید حاجی میری که یکی از نخستین آثار سینمای ایران با چنین مضامینی محسوب می شد. داستان درباره دو عضو گروهی از منافقین در خله ای تیمی است که جلیل فرجاد نقش اول این فیلم را بازی می کند. در نمایه فیلم بر پوچ بودن تفکرات منافقین تاکید دارد و حاجی میری این موضوع را در قالب توهم شخصیت های فیلم به صحنه در آورده است. آن دو که در خانه تیمی خود ابتدا صدای خالی کردن تیر آهن کارگران ساختمانی را با صدای تیراندازی ماموران کمیته انقلاب اسلامی اشتباه می گیرند. فرجاد با نقش آفرینی بی بدیشش از وای منافقین را بیان می کند. آنجا که این اثر وابه ترس و توهم می انجامد و او وانت هندوانه فروش را با نفربر سربازان اشتباه می گیرد. محمدرضا عالی پیام، بازیگر نقش مکمل فرجاد اما میانه این کشاکش به بن مایه سازمان منافقین تر دید می کنند. دیالوگ این فیلم نیز، آن هنگام که فرجاد با گلوله او را از پا درمی آورد ماندگار است: «اینا... اینا... اینا... همیشه توهم ما بود...»



# شما معتبر هستید

# شماره معتبر بخرید

فروش ویژه شماره های خاص اعتباری و دائمی تا ۴۰٪ تخفیف

از طریق shop.mci.ir و تمامی مراکز فروش و خدمات همراه اول




